**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه اول**

**توضیح فرمایش شیخ انصاری**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و یکم\_7 اردیبهشت1399**

غرض از تنبیه اول این است که آیا نتیجۀ مقدمات انسداد حجیت ظن به واقع است یا حجیت ظن به طریقیت شیئی الی الواقع یا نتیجۀ مقدمات انسداد، حجیت هر دو است؟ هم حجیت ظن به واقع هم حجیت ظن به طریق، یعنی به طریقیت شیءٍ الی الواقع یا هر دو؟

مثلا اگر ما ثابت نشد که خبر واحد عادل از باب ظن خاص حجت است، هم باب علم مسدود بود، هم باب علمی، حالا یک خبری آمده است، خبر عادل واحد، که ما طبیعتا ظن به اعتبار آن داریم، این خبر می گوید فلان شیء حرام است و فلان شیء واجب است، حالا آیا می توانیم به همین خبر مظنون از باب ظن مطلق عمل کنیم با باید ظن به خود حرمت یا وجوب هم که واقع است پیدا کنیم؟ آیا اگر ظن به وجوب و حرمت پیدا نکردیم، نمی توانیم به آن خبر واحد عمل کنیم، یا باید به آن خبر واحد عمل کرد، حتی اگر ظن به حرمت، و وجوب برای من حاصل نشده، یا اگر به قول شیخ اعظم قرعه مظنون الاعتبار شد، این قرعه را عمل کنم چه برای من ظن به واقع بیاورد چه نیاورد، یا در خصوص موردی که ظن به واقع آمده است به این قرعه عمل کنم؟ یا بگوییم هم ظن به طریق حجت است و هم ظن به واقع. بنابراین اگر خبر واحدی گفت فلان شیء واجب است، من هم که خبر واحد را حجت نمی دانم، عمل به این خبر واجب است این یک. 2 اگر من از غیر راه این خبر واحد، ظن به وجوب فلان امر پیدا کردم باز هم واجب است.

من اجازه بفرمایید با مثال واضح خوب مساله را باز کنم، چون این بحث خیلی طولانی شد، و ابهامات هم انصافا درش زیاد بود، حالا یا اشتباه و نفهمیدن از ما بود، یا تقریر خوب صورت نگرفته است.

ببنید یک وقت هست شما می گویید خبر واحد حجت است از باب ظن خاص. خب تکلیف روشن است انفتاحی هستید. یک وقت هست خبر واحد را از باب ظن خاص حجت نمی دانید، حالا یک خبر واحد عادل دارید، که گفته است نماز جمعه واجب است مثلا، شما این جا از دو حال خارج نیست، یا در اثر این خبر واحد عادل خودتان هم ظن به وجوب جمعه پیدا می کنید، یا نمی کنید، اگر هم خبر واحد عادل بود، و هم ظن شخصی شما بود، هیچ کس انکار نمی کند که اینجا الظن حجة فی حال الانسداد، اما یک وقت هست، فقط خبر عادل آمده است، گفته است نماز جمعه واجب است، شما ظن شخصی پیدا نکردید، آیا این هم بنابر انسداد حجت است و لو برای من ظنی حاصل نشده است؟

حالت دوم؛ یک وقت هست شما از یک طریق دیگری ظن به وجوب جمعه پیدا می کنید، خبر واحد هم نیست، آیا حال که به مضمون آن خبر واحدی که گفتیم، ظنی پیدا کردید، بنابر انسداد آن ظن حجیت دارد یا ندارد، صاحب الفصول، هدایة المسترشدین می گویند مهم این است که برای تو ظن به طریق یا بگو ظن در مساله اصولیه پیدا بشود، چه ظن در مساله فقهیه فرعیه هم حاصل بشود، چه نشود، این حرف این دو بزرگوار بود، مهم برای ما برائت ذمه است با این که نماز جمعه واقعا چه حکمی دارد، کاری نداریم. مهم برای ما برائت ذمه است و برائت ذمه لا یَحصُل الا به این که از راه ظن اصولی بروم جلو، کاری هم نداشته باشم که این ظن اصولی من واقع را دارد نشون می دهد یا نمی دهد، این حرف این دو بزرگوار. در مقابل شریف العلماء و دیگران می گویند برای ما واقع مهم است، تو ظن به واقع پیدا کن، همین که ظن به واقع پیدا کردی، از هر راهی که شد، چه این خبر واحد و چه چیز دیگر، مهم آن ظن به واقع است، به آن عمل کن، دیروز مثل اینکه حرف شریف العلماء-گرچه درست تقریر کرده بودم، ولی- دیروز ظاهرا در تقریر یک اشتباهی صورت گرفت. این حرف شریف العلماست که می شود حجیت ظن در مساله فقهیه فرعیه فقط، یا بگوییم اگر انسداد به وجود آمد، مهم این است که ظنی برای شما حاصل بشود، چه ظن به طریق باشد، چه ظن به خود مساله باشد فرقی نمی کند، شد سه قول در مساله.

اگر گفتیم در باب اطاعت و عصیان عقل حاکم است، چه در حال انفتاح، چه در حال انسداد، و عقل می گوید باید مُؤَمِنی از تبعات تکلیف پیدا شود تا عقوبت نشوی و این مُؤَمِن را اگر شارع خودش بیان کرده بود، یعنی ظن خاص داشتیم که هیچ. اگر این مُؤَمِن را شارع بیان نکرده، به دست عقل سپرده است. حالا حالت انفتاح و انسداد فرقی نمی کند، هر چه در حال انفتاح، مؤَمِن است، در حال انسداد ظن قائم مقام آن است و معلوم این است که حرف قطعی است که در حال انفتاح، آنچیزی که مُؤَمِن من است، قطع به انجام واقع است حال یا واقع حقیقی به تعبیر شیخ اعظم یا واقع جعلی. واقع جعلی همان خبر واحد حجت شده از باب ظن خاص است. این مالِ حالت انفتاح.

در حالت انسداد ظن قائم مقام می شود، ظن به مکلف به واقعی و ظن به مکلف به جعلی، قائم مقام، قطع به اتیان واقع حقیقی یا واقع جعلی می شود. پس بنابراین اگر مقدمات انسداد تمام شد، مهم این است که علم را برمیداری، علمی را هم بر میداری، ظن جایگزین آن می کنی، چه متعلق این ظن واقع باشد، چه متعلق این ظن طریق باشد، و شما از آن طریق ظنی به واقع پیدا کرده باشی یا پیدا نکرده باشی. این بیان که الان عرض کردم، متخذ است از اول بحث کفایه در این قسمت است.

حال حرف شیخ اعظم، حرف مرحوم آخوند، حرف مرحوم نایینی این ها این است که حال که نوبت به ظنون رسید دیگر کارت نباشد که این ظن واقع نما هم هست، یا واقع نما نیست، تو نوبت به ظنون برایت رسیده است با واقع نمایی این ظن دیگر کارت نباشد، شما ظن به حجیت قرعه پیدا کردی، به این قرعه عمل کن، اگر چه از راه قرعه ظن به حکم واقعی پیدا نکنی. این عصاره همۀ این نظریاتی است که در این جا بیان شد، مرحوم شیخ در تنبیه ابتدا از نظر خودش شروع کرد، بعد آمد نظر صاحب فصول، صاحب هدایة المسترشیدن را بیان کرد و بعد نظر شریف العلماء و بعد فرمود گروهی هستند که می گویند نتیجه مقدمات انسدا دفقط اعتبار ظن است در آن جا که یک طریق شرعی ثابت بشود مبرء ذمه است، فقط این است. در برابر شریف العلماء فرمود نتیجه مقدمات انسداد اعتبار الظن در خود خود احکام فرعیه است. آقای شیخ چه فرمود؟ فرمود حال که به امتثال ظنی رسیده است فرقی نمی کند این متعلق ظن، طریق باشد یا متعلق ظن خود واقع باشد، شما در این جا به قول آقای آخوند به دنبال مؤَمن باش، آنچه مؤَمن است در حال انسداد، همان مُؤَمنی است که در حال انفتاح داریم. در حال انفتاح اگر من یقین دارم که واقع حقیقی را انجام دادم، مؤَمِن دارم، یقین دارم که به علمی عمل کردم، یعنی واقع جعلی را عمل کردم، حالا وقتی سراغ انسداد رسید، همان کاری که از علم بر می آید از ظن هم بر می آید، در حال انسداد ظن به مکلف به واقعی و جعلی قائم مقام قطع می شود، اختصاصی ندارد حجیت ظنون به ظن به طرق، چه ظن به طرق باشد، چه ظن به واقع باشد.

این عصارة همه مباحثی که در این مدت طولانی داشتیم البته عرض کردم این بیان امروز یک بخشش از مرحوم آخوند بود در کفایه.

ما اگر بخواهیم با اصطلاحات قول جلو برویم و انسدادی بشویم حق با این بزرگواران است یعنی مرحوم شیخ، مرحوم آخوند، مرحوم نائینی. اما ما از یک راه دیگری آمده بودیم نتیجۀ ایی که ما گرفته بودیم، حجیت اطمینان بود، چون چیزی را تعریف کردیم به نام انسداد و منجر شد به حجیت اطمینان. منتها ما اگر بخواهیم چیزی را به نام اطمینان به عنوان حجت معرفی کنیم، دو چیز می خواهیم یکی این که از راهش رفته باشم، یعنی جمع بین قرینه ها کرده باشم، این راه عرفی است، بعد هم یک فرد متعادل از نظر باور، نه زودباور و نه دیر باور. و برای من هم اطمینان شخصی بیاید. آنی که بحث می کند از اطمینان فقط ظن به ما هو الظن را نمی بیند، اطمینان نفس برایش مهم است و این اطمینان هم باید از راه باشد، نه این که من اطمینان دارم نماز جمعه واجب است چون خواب دیدم، نه از راه های عقلائی.

بناءً علی هذا، بنا بر این مسلک اگر باب علمی منسد شد خبر واحدی که فقط ظن به حکم شرعی می آورد، حجت نیست باید دنبال ضمیمه قرائن گشت تا وقتی برای این مجتهد اطمینان شخصی حاصل شود از این طرق نه اطمینان شخصی از هر راهی. اطمینان شخصی از این طرق، از این راه ها. پس اگر اطمینان آمد از طرق غیر عقلائی و لو اطمینان به واقع است اما این نتیجه مقدمات در اضطرار نیست، اگر اطمینان برای این راه هست، اما برای من متعادل باور، هنوز اطمینان شخصی حاصل نشده است، باز هم فایده ایی ندارد، بنابراین نتیجه مقدمات اضطرار می شود حجیت اطمینانی که به واقع پیدا کنم از طریق راه مطمئن رفتن و آن جمع بین قرائن است، خصوص این نتیجه برای من حجت می شود، چون مهم برای من این حالت نفسانی است تا این حاصل نشود فایده ایی برای من ندارد، من اضطرارم، اضطرار هستم و هستم تا این اطمینان حاصل بشود، اطمینان که آمد و لو اطمینان در حال اضطرار، گفته بودیم بارها، کار تمام است. پس از راه، راهی که عند العقلاء معمولا اطمینان آور است و از آن راه هم برای من اطمینان حاصل شود.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.